ساعتی جماعت بجا نمیآوردند و چون از مجلس برمیخاستند ساعتی بطریق سهو و ایراد بطالعه
شغل می نمودند می نمودند که پیش از خواب کردن شغل باین نیم است تا برکت تمام شب برسد و
بعد از فراغ آن شغل باستراحت می پرداختند و اوایل حال زمانی استراحت اندکی بوده است
و چون بیداری کشیده اند نماز دیگر را تعجیل شغول می بوده اند تا صبح لاجرم اوقات بیداری در
تمامی اغلب شب لازم داشته بوده اند و نماز دیگر را تعجیل شغل می نموده اند می نمودند که برکت شغل سحر
تمام روز میرسد و از برای نماز بامداد تجدید وضو می کردند چون از نماز فارغ می شدند مراقبت
می بودند تا هنگامی که آفتاب نیزه وار بلند می شد بود و اوقات دیگر بمطالعه و تصنیف و
مطالعه شغل می نمودند و گاه از برای تشحیذ خاطر و آمد شد مردم مردم می پرداختند طریق
نشستن حضرت ایشان بر سیمات تشهدی بود و عظیماً للحی نمیخواند و حلقه وسمی می کردند که
متوجه بقبله نشینند اکثر اوقات بر روی چاکی می نشستند و غالباً قبای آستین کشاده می پوشیدند
و در زیب لباس تفرد می بودند بهر صورت که بر می آمدند دلکش بود گاه قبا پوشیدند و می
و گاه جبه و گاه عمامه گذاشتندی و گاه مانی جمیع حرکات و سکنات حضرت ایشان
خوش آیند و پسندیده بود ملاحت تکلم بر ایشان بغایت غالب بود لطایف و سخنان
شوق انگیز بسیاری فرمودند و عطایا بسیاری کردند نظمی که در زبان مبارک حضرت خواجه
بزرگ خواجه بهاء الحق والدین قدس الله تعالی سره می گذشته بیان حال حضرت ایشان است
سرشان بود خواه از تخت آن بعضی که چو روی او بعضی دل تو بدان گراید دویم آنکه دری لباس چو سخن
کند معنی سر از تشتی خود حدیث می راند پسیم آن بود معنی دل اهل عالم گر در سخن عصود را

حرکات بدنیا صحبت حضرت ایشان را علاوه رحمة والرضوان عاشقی بود عام که هر کس بصحبت حضرت
ایشان می رسید و از برکت تعیش و اندوهی که بدیشان آن شخص و اندوه مرتفع شده بود بفرح
و انبساط مبتدل می گشت هر کس ملازمت حضرت ایشان می آمد خواه چیزی خواه شریف یا
وضیع می نشستند و توقف می نمودند تا اول وی برخیزد چنانچه بلا آخره و ملازمت بدین نمودن
بعضی امراض شده وسمی میداشتند که در مجلس فرو نمی نشینند و تا میسر شدی بر آستان
می نشستند چه فرو و تیمی مردمان در طعام خوردن شریک می گشتند در خورد بهنا
بنایت بی تکلف بودند و بطعامی بهای بی تکلف پیش میل داشتند علی کو در وی شایبه
یا بوی از حضرت ایشان صادر می شد اگر کسی را بامور دنیوی محتاج می داشتند اشیا
که از محض طیبت بود و از بعضی باشد یا محتاج و بر سبیل خفیه کفایت می کردند و اگر از
قبیل مروتی صلا تکلف می کردند و بدیار ایشان دست نبود و از عقاد و انکار مردم
با کلیه فارغ می بودند و از جهت جذب خواطر و حقیقت ارتکاب این امر می فرمودند و از
امور دنیویه آنچه فاضل می آمد از جمعی که در نوبت حضرت ایشان بودند بمقاع خیر مصروف
می گشت در درون شهر اراده مدرسه ساخته اند و در خیابان بدر سه و خانقاه دیگر در
ولایت جام مسجد جامعی ساخته اند اکثر املاک را وقف بدر سه خیابان کرده اند حضرت
ایشان نسبت کرده اند روزی در مجلس حضرت ایشان می گذشت که فلان کس می گوید که من
فلان کار را خالصاً لله کردم فرمودند غالباً آن شخص معنی اخلاص را تصور نکرده است
و فرمودند که حقیقت اخلاص کاری بود که در عمل و عبادت الف و عادت از میان

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)